

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد نبرته متهم بانتقال ملك غير

ماده ۱۰۵ قانون ثبت اسناد و ماده ۱ و ۸ قانون انتقال مال غير

چه آنکه دادگاه جنائی بدون اینکه تحقیقات نماید که مصالحه بمدعیه خصوصی قبل از تقاضای ثبت از ناحیه متهم واقع شده یا بعد از تقاضا چنانکه مدعیه خصوصی مدعی است که قبلاً با او صالح نموده است و اینکه آیا ملك مورد بحث بنام متهم در دفتر املاك ثبت رسیده یا خیر و بدون توجه بشکایت بدوی شاکیه که تعقیب متهم را بر طبق ماده ۱۰۵ قانون ثبت خواستار شده و همچنین بدون توجه باینکه آیا متهم اعتراف بمالكیت شاکیه نموده است یا خیر مبادرت بصدر حکم برائت متهم کرده و چون این اندازه نقص در تحقیقات مؤثر در قضیه است حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۳۰ اصول محاکمات جزائی از جهت نقص در تحقیقات با اتفاق آراء نقض میشود»

کسی بیزه انتقال به بیع قطعی بکریم از کاروانسرا و بکریع از چهار در بند دکان متعلق بدیگری مورد تعقیب دادسرا واقع و ادعا نامه در حدود مواد ۹۷ و ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مجازات و ماده ۱ و ۸ قانون انتقال مال غير بدادگاه جنائی تقدیم شده - دادگاه از نظر اینکه متهم در شهریور ۱۳۰۸ در خواست ثبت ۶ دانگ کاروانسرا و شش دانگ هر یک از ۵ باب دکان متعلق آنرا نموده و اعلانات نوبتی منتشر و از ناحیه شاکی خصوصی اعتراض نشده و بر طبق قانون ثبت ۱۳۰۸ مالک شناخته شده و مالکیت او رسماً مسلم گردیده او را نبرته میکند - دادستان استعفا فرجام خواسته شعبه ۵ دیوان کشور در داد نامه شماره ۳۴۰ بتاریخ ۲۰ ر ۱۸ ر ۲۰ چنین رای داده است:

« اعتراضات دادستان استن بر حکم وارد بنظر میآید

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه [با تصدیق باینکه دعوی مطروح غیر از دعوی سابق است] برای کارشناسان دعوی سابق استناد کرده

ماده ۲۱۷ قانون آزمایش

تفاوت را معین کرده اند خواننده را بمبلغ تفاوت محکوم کرده - محکوم علیه فرجام خواسته - شعبه (۳) دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۲۹ بتاریخ ۲۸ - ۲ - ۱۳۱۸ چنین رای داده است

(با اینکه دادگاه نخستین موضوع دعوی اخیر را با دعوی پیشین یکی ندانسته رای کارشناسان بیکه در آن دعوی رای داده اند منط اعتبار قرار داده و حال آنکه بحسب رای دادگاه مزبور رسیدگی و رای کارشناسان در همان دعوی پیشین در موقع خود بمورد نبوده است و عملی خارج از جریان

کسی در دادگاه: هرستان محکوم میشود بیک دستگه اتومبیل که غصباً تصرف کرده بخواهان رد کنند - سپس خواهان (باستناد اینکه در تاریخ تصرف نظر کارشناسان که ضمن دادنامه مزبور قید شده اتومبیل مبلغ ۰۰۰۰۰۰ قیمت داشته و بعداً از حیز انتفاع افتاده) تفاوت قیمت را بوسیله تقدیم دادخواست بهمان دادگاه مطالبه کرده - خواننده دفاعاً اظهار کرده که دعوی قابل تجدید نیست دادگاه بعد از رسیدگی رای داده است که این دعوی غیر از دعوی پیش است و چون کارشناسان بیکه در دادنامه دعوی مذکور اشاره شده

قانون صادر گردیده و بموجب ماده ۴۰ قانون آزمایشات اتفاق
آراء نقض میشود.

قانونی کار تلقی شده بنا بر این حکم فرجام خواسته برخلاف

رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بکه دادگاه با وجود علل مشدده بکمتر از حد اقل گیر معین کرده

ماده ۴۵ مکرر و بند الف و ب ماده ۲۰۷ قانون مجازات

الف متهم بحد اکثر مجازات محکوم میشود و با تعدد دادگاه
باینکه مجنی علیها با کره بوده است مجازات او حد اکثر ۷
سال حبس با اعمال شاقه بوده و دادگاه نمیبایست با رعایت
تخفیف بر طبق ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مجازات
را از حد اقل که ۳ سال حبس با اعمال شاقه است تنزیل دهد
بناء علیه حکم فرجام خواسته در قسمت تعیین مجازات برخلاف
ماده ۴۵ مکرر قانون مزبور صادر شده و در این قسمت بر طبق
ماده ۳۰ ارفاق قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض
میشود.

کسی بانها ازاله بگارت دختری مورد تعقیب واقع
و دادگاه جنائی بر طبق بند ب ماده ۲۰۷ قانون مجازات
و رعایت تخفیف بموجب ماده ۴۴ آن قانون او را بدو سال
حبس مجرد محکوم مینماید - متهم و دادستان استان فرجام
خواسته اند - شعبه ۵ دیوان کشور در داد نامه شماره ۳۵۱
بتاریخ ۲۳-۲-۱۸ چنین رأی داده است :

« در قسمت ب ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی که
مورد استناد دادگاه بوده تصریح شده که در صورت وجود یکی
از علل مشدده مذکوره در قسمت های ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بند

رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بکه دادگاه عدم اخفاء در عمل قاچاق را دلیل سوء نیت ندانسته

ماده ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات قاچاق

سوء نیت میباشد ولی بر حکم فرجام خواسته این اعتراض
وارد است که دادگاه باستناد اینکه مواد راجع بمجازات
مرتکبین قاچاق ناظر باشخاصی است که بخواهند مال ممنوع
الورود بطور مخفی از مرز کشور خارج نمایند و محل
کشف قوطی سیگار در این قضیه محل مخفی
شناخته نمیشود سوء نیت را محقق ندانسته است و حال آنکه
اخفاء مال در موارد مذکوره شرط تحقیق جرم نمی باشد
بنابر این حکم فرجام خواسته از جهت دلیل مخدوش بوده و
بر طبق ماده ۳۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض
میشود.

کسی بانها قاچاق [بر اثر بودن يك قوطی سیگار
طلادر کیف او موقع عبور از مرز و کشف آن در اداره
گمرک موقع معاینه اثاثیه) تحت تعقیب آمده و دادگاه شهرستان
او را طبق ماده ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات قاچاق محکوم کرده -
ولی در مرحله پژوهشی تبرئه شده - بر اثر درخواست رسیدگی
فرجامی از طرف دادستان استان شعبه (۵) دیوان کشور
در حکم شماره ۴۲۸ بتاریخ ۳۱-۲-۱۸ چنین رأی
داده است :

(اعتراض دادستان استان که استدلال دادگاه استان
در برائت متهمه باینکه ملاک تعقیب سوء نیت بود مخدوش
بنظر میرسد وارد نیست چه آنکه ملاک در ارتکاب مسالما

رای دیوان کشور پروازدن

در موردی که در قرار بازپرس ذکر عدم صلاحیت نشده و تنها دادستان ارتش اشاره بعدم صلاحیت در مورد کرده باشد

ماده ۲۰۴ آئین دادرسی کیفری

محاکات مبنی است بر منع تعقیب متهمین از جهت اتهام آنها بگناه راه زنی بدون اشعار بنفی صلاحیت خود برای رسیدگی بجنبه دیگری که دادستان دیوان مزبور برای عدل ارتکابی آن در ضمن عقیده خود اشعار داشته و نظر باینکه طبق ماده ۲۰۴ قانون اصول محاکمات جزائی و بر حسب اصول فقط اختلاف صلاحیت فیما بین دادگاههای دادگستری و دیوان حرب و بازپرس ها باید در دیوان کشور حل شود لذا با وضعیت فعلی اختلافی که قابل طرح در دیوان کشور باشد موجود نیست و فرستادن پرونده از طرف دادستان شهرستان بدیون کشور بمنظور حل اختلاف بی مورد است.

چند نفر با اتهام اینکه در راه چلودگتری را گرفته و او را زده و ۵۰۰ ریال پول او را گرفته اند تحت تعقیب و بازپرس دادگستری باموافقت دادستان قرار عدم صلاحیت از نظر راهزنی داده و بازپرس دیوان حرب پس از رسیدگی بعنوان فقد دلیل قرار منع تعقیب صادر کرده و دادستان با قرار مزبور از لحاظ راهزنی موافقت کرده ولی عمل را اخذی بمنف تشخیص داده و دیوان حرب را صالح شناخته و بازپرس دادگستری پرونده را برای رفع اختلاف بدیوان کشور فرستاده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۳۸۳ بنا بر تاریخ ۲۰۳۱ - ۱۸ چنین رأی داده است:

(نظر باینکه قرار صادره از کفیل بازپرس دیوان

رویه دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد تبرئه متهم بکار بردن شناسنامه دیگری از لحاظ عدم احراز سوء نیت و عدم شمول مورد با مقررات جزائی دیگر

شق ۴ از ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه

اتباع خارجه خواهد بود اعلم از اینکه منظور استعمال کننده ورود بکشور و یا عبور از آن و یا امر دیگری باشد و لذا حکم دادگاه دایر به تبرئه متهم که برخلاف این نظر صادر شده مخالف قانون بشمار می رود) وارد نیست زیرا بر حسب مستنبط از مجمع مواد قانون استنادی و بقرینه جمله دیگر از شق مزبور (هر کس برای اثبات تابعیت و یا هویت يك نفر شخص خارجه) و هم نظیر که از عنوان آن قانون استفاده میشود ماده استنادی شامل عمل متهم نبوده و لذا حکم فرجام خواسته دایر به تبرئه متهم که از همین نقطه نظر و عدم شمول مقررات جزائی دیگر باین عمل صادر شده خالی از اشکال قانونی است و بانفاق آراء ابرام میگردد.

کسی با اتهام بکار بردن شناسنامه دیگری بنام خود در ای پذیرفته شدن در انجام کاری مورد تعقیب واقع و باستناد شق ۴ از ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ دادستان درخواست کیفر کرده دادگاه جنحه بعنوان عدم احراز سوء نیت از طرف متهم در ارتکاب این عمل او را تبرئه کرده و در دادگاه استان استوار شده - دیوان کشور شعبه ۲ در دادنامه شماره ۱۷ - ۴ مورخ ۲۴ - ۲ - ۱۸ چنین رأی داده است:

[اعتراض دادستان استان مرکز بر حکم فرجام خواسته خلاصه آنکه (هر کس برک شناسنامه دیگری را استعمال نماید عملش مشمول شق ۴ ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه با آنکه عین ملك متعلق وصایا نبوده ثبت ملك و صدور سند مالکیت بنام بعضی از ورثه را موجب بطلان

وصیت نامه دانسته

یکی از خواننده ها پژوهش خواسته - دادگاه استان نسبت بخانه (از لحاظ صدور سند مالکیت) و نسبت بمآزاد از آنچه مورد اقرار پترهش خواه است از اثاثیه دادنامه را کسبخته و خواهانها را در این قسمت محکوم بیبجقی کرده خواهان فرجام خواسته - شعبه ۱ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۲۵ بتاریخ ۲۰-۲-۱۸ چنین رأی داده است :

(چون عین رقیبات متروکه با استثناء حیاط بیرونی متعلق وصایا نبوده بلکه وصیت بوجوهی است برای مصارف معینه لذا ثبت ملك بنام ورثه بعنوان ترکه موصی و صدور سند مالکیت منافات با عمل بوصایانامیزان نك كل ماترك ندارد بنابراین رأی دادگاه در محدود ساختن وصیت و نك اثاثیه و بیبجقی مدعیان نسبت ببقیه مخدوش است)

سه نفر بر ورثه در دادگاه شهرستان اقامه دعوی کرده و اظهار داشته اند که مورث بموجب وصیتنامه یکی از آنها را وصی و دوفتر دیگر را ناظر قرارداداده و وصایائی کرده که معادل مبلغی از اصل ترکه و بقیه از نك محسوبست و خواننده ها مکلفند خواسته را بخواهانها بدهند تا بر طبق وصیت نامه رفتار شود یکی از خواننده ها وصیت نامه را تصدیق و دیگری تکذیب نموده و اظهار داشته که مورث در زمان حیات خانه خود را ثبت داده و اسمی از وصیت نمرده و خانه دیگر نیز بنام من سند مالکیت صادر شده دادگاه بعنوان اینکه ثبت قسمتی از ترکه و صدور سند مالکیت بنام بعضی از ورثه موجب بطلان وصیتنامه نیست و تصرفات خواننده ها در ترکه محرز است آنها را محکوم برفع ید از نك ترکه کرد.

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه با استناد اینکه شکستن مهر اشیاء توقیفی مقدمه دخالت در اشیاء است متهم را فقط از جهت بزه دوم محکوم کرده

ماده ۱۱۳ و ۲۳۱ و ۲۲۷ قانون مجازات و ماده ۲ الحاقی

رسیدگی فرجامی مفاداً آنکه (دادگاه استان با استناد اینکه شکستن مهر محل اشیاء توقیف شده مقدمه دخالت در اشیاء مزبور محسوب میشود متهم را فقط از جهت ارتکاب دخالت در اشیاء توقیفی محکوم بمجازات نموده و حال آنکه مطابق ماده ۲ الحاقی باصول معاکمات جزائی بافرض مقدمه بودن شکستن مهر برای عمل دیگر دادگاه مکلف باصدار مجازات برای هر يك از دو عمل بوده و تعیین يك مجازات برای هر دو عمل با استناد مزبور مخالف قانون بشمار میرود) وارد است لذا حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۳۰ قانون اصول معاکمات جزائی بانفاق اراء نقض میشود)

کسی بزه شکستن مهر اشیاء توقیفی و مداخله در آنها مورد تعقیب داد سرا واقع و در دادگاه جنحه برای هر دو بزه محکوم میشود - برائت پترهش خواهی متهم دادگاه استان (از لحاظ اینکه شکستن مهر محلی که اموال در آن محل توقیف شده مقدمه برای دخالت در اموال توقیفی است) دادنامه را کسبخته و او را طبق ماده ۲۳۱ قانون مجازات بدو ماه حبس تأدیبی محکوم کرده - دادستان استان فرجام خواسته - شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۸۹ بتاریخ ۱۰-۴-۱۸ چنین رأی داده است :

(اعتراض دادستان استان بر حکم مورد در خواست